



سید مسعود رضوی

تاریخ توفیق



و سرگذشت طنز

در مطبوعات ایران،





تاریخ توفیق

سرگذشت طنز

در مطبوعات ایران



سید مسعود رضوی



سرشناسه	: رضوی، مسعود، ۱۳۴۱
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ توفیق سرگذشت طنز در مطبوعات ایران/ نوشته سید مسعود رضوی
مشخصات نشر	: تهران: سوفیا، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۹۴۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۵۹-۰-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه
یادداشت	: نمایه
موضوع	: توفیق (روزنامه)
موضوع	: توفیق (مجله) - تاریخ
موضوع	: طنز فارسی - ایران - تاریخ و نقد
موضوع	: طنز فارسی - ایران - نشریات ادواری
موضوع	: مطبوعات - ایران - تاریخ
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ۲۹ ف/ ۹۵ AP
رده بندی دیویی	: ۰۷۹/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۰۴۵۶۵

نشر سوفیا

سایت: sophianashr.com

پست الکترونیکی: info@sophianashr.com

n.sophia1388@gmail.com

۰۹۱۲۷۹۵۴۱۹۴

۰۹۱۲۴۸۰۲۰۵۲

پخش: نقش جهان تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۵۴۴۷

نوشته مسعود رضوی

تاریخ توفیق

سرگذشت طنز در مطبوعات ایران

حروف نگار و صفحه آرا: رحیم رمضانی

چاپ نخست: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ بها: ۶۷۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: طیفنگار

فهرست مطالب

- دیاچه ۱۱
۱. طنز و تأمل ۲۷
- میراثِ طنز در ادبِ پارسی ۲۷ / گشت و گذاری در فرهنگنامه‌ها ۲۹ / امتیازِ لبخند ۳۲ / هدف و اعتبارِ طنز ۳۳ / طنز به مثابه ابزارِ انتقاد ۳۴ / هزل و ریشخند و توجیهات عبید ۳۵ / عقلایِ مجانین ۳۸ / در تفاوتِ طنز و کمدی ۴۲ / ظریفان ۴۳ / طنزِ عامیانه و تعهدِ روشنفکرانه ۴۵
۲. طنز و تحولات اجتماعی ۴۹
- حکایت و لطیفه ۵۰ / طنزِ فاخر و منحنی ۵۱ / سلاحِ پنهان! ۵۴ / طنز، تهران و تحولاتِ ناگزیر ۵۶ / مشروطه و مطبوعات ۵۹ / شفاهیاتِ منحنی و تفرقه‌افکن ۶۰ / زبانِ مخفی ۶۳ / ابداع‌هایِ طنزِ معاصر ۶۶ / طنز، رکاکت و شوخی ۶۷
۳. طنزِ معاصر و نقشِ مطبوعات ۶۹
- سنت‌هایِ مشروطیت ۶۹ / پیدایش و گسترشِ طنزِ انتقادی ۷۱ / طلایه‌دارانِ طنزِ اجتماعی و سیاسی در مطبوعات ۷۳ / نخستینِ جرایدِ فکاهی ۷۴ / رونقِ اشعارِ طنزِ آمیز ۷۶ / تحوّلِ مطبوعات و جرایدِ تازه ۷۷
۴. توفیقِ تبریز و استبدادِ صغیر ۸۱
- توفیق در تبریز ۸۲ / استبدادِ صغیر و مطبوعاتِ حقیر ۸۴ / شبهه و شباهت ۸۹

۵. تأسیس و مؤسس ۹۱
نشریه گل زرد ۹۲ / شاعر مردمی ۱۰۱ / شرح احوال حسین توفیق ۱۰۴ / توفیق فکاهی ۱۰۶ / فرجام و مرگ ۱۱۰ / پرسش های بی پاسخ ۱۱۲
۶. تولد توفیق و تحول طنز ایرانی ۱۱۷
شناسه ها و شاخصه ها ۱۱۸ / طنز آوران جوان ۱۲۳ / در راه طنز ۲۸ / بحر طویل های توفیق و حالت ۱۳۴ / ستاره استعداد های فکاهی ۱۳۸
۷. نمونه های کهن ۱۴۷
۸. آزادی مطبوعات و کشور جنگ زده ۱۶۱
مطبوعات و تجربه آزادی ۱۶۲ / تنوع و تکثر جراید ۱۶۶ / توفیق و آغاز دورانی تازه ۱۶۹ / توفیق و جنگ دوم جهانی ۱۷۱
۹. در مسیر تندبادهای سیاسی ۱۷۷
رویاری با دولت های ناپایدار ۱۸۰ / نشانه ها و عوارض چپ زدگی ۱۸۱ / سرنوشت شوم حاج احتشام ۱۸۶ / آزمون و خطاهای مطبوعات ۱۸۸
۱۰. آشننگی، تندروی و گرایش به حزب توده ۱۹۱
مشکلات و مسائل عمده در توفیق ۱۹۲ / گرایشات رادیکال و انشعاب ۱۹۴ / آینده مشکلات مردم ۱۹۷ / حضور محسوس چپ ۲۰۱ / تحولات و شرایط تازه ۲۰۴ / حالت رادیکال ۲۰۷ / تندروی و توقیف ۲۱۰ / سایه حزب توده ۲۱۱
۱۱. همگام با نهضت ملی ۲۱۵
تاوان چپ ۲۱۶ / استقلال و گرایش میهنی ۲۱۷ / همراهی با نهضت ملی ۲۲۱ / در کنار دکتر مصدق ۲۲۳ / تفرقه در نهضت ۲۲۳ / ول کن بابا ۲۲۵
۱۲. سیاست و مکافات ۲۲۹
درباره محمدعلی توفیق ۲۳۰ / دردسره های یک سردبیر ۲۳۲ / بلوای نان ۲۴۰ / توقیف فله ای مطبوعات ۲۴۱ / لغزش ها و پیامدها ۲۴۳
۱۳. توفیق در زندان ۲۴۷
رؤیای سفر بخارست ۲۴۷ / سردبیر متواری ۲۴۹ / ایام محبس و خاطرات فلک الافلاک ۲۵۰ / توفیق شفاهی ۲۵۲ / آزادی و انزوا ۲۵۶ / درگذشت محمدعلی توفیق ۲۵۸ / سوء تفاهم! ۲۶۳
۱۴. بازگشت پرفروغ (۱۳۳۶ تا ۱۳۵۰) ۲۶۵
مطبوعات و انسداد دولتی ۲۶۶ / اولین شماره پس از کودتا ۲۶۸ / ویژگی های توفیق در آخرین دوره ۲۷۲ / رمز و راز موفقیت های توفیق ۲۷۴ / گزارش ویژه! ۲۷۷ / طبابت با داروی خنده ۲۷۸ / یک تحقیق دانشگاهی ۲۸۰ / مهم ترین مطالب توفیق ۲۸۲ / احترام

مطبوعاتی‌ها به توفیق ۲۸۳ / سه برادر ۲۸۴ / روایتِ عمران ۲۸۹

۱۵. مطبوع ملت، مطرود دولت ۲۹۱

نخست‌وزیرِ کلنگی ۲۹۲ / شوخی با نخست‌وزیران، وزرا، وکلا و شهرداری ۲۹۶ /
ماجرای حسنعلی منصور ۲۹۸ / شیخ احمد کافی و توفیق ۳۰۱ / بهره‌های عامیانه
۳۰۳ / پیشنهادِ شراکت با دولت ۳۰۴ / خریدنِ جراید و رشوه‌های مطبوعاتی ۳۰۶ /
بستنِ مطبوعات ۳۰۷ / هویدا؛ سوژهٔ درجه یکِ طنزپردازان ۳۱۱ / ابعادِ سانسور
۳۱۳

۱۶. ابتکارات و تجربه‌های توفیق ۳۱۵

بودجهٔ زمان جنگ ۳۱۶ / سمبلِ نظم ۳۱۷ / یاد باد آن روزگاران یادباد ۳۱۹ / آموزش و
تربیتِ طنزپردازان جوان ۳۲۱ / فرهنگِ توفیق ۳۲۴ / خنده بر هر دردِ بی‌درمان دواست
۳۲۷

۱۷. توفیق در بوتۀ نقد ۳۳۳

رویارویی با جلوه‌های تجدد ۳۳۴ / حمله به احمد نفیسی ۳۳۶ / ضرورتِ نقدِ توفیق
۳۳۷ / آگهی و درآمد ۳۴۰ / نقدِ رجالِ دولتی ۳۴۱ / کشکیتِ انشعابی ۳۴۴

۱۸. توقیفِ توفیق ۳۴۷

بستنِ توفیق و بن‌بستِ هویدا ۳۴۹ / تصمیمِ نهایی ۳۵۲ / نظرِ میلانی و مجیدی ۳۵۴ /
برخوردِ امنیتی، مقامِ امنیتی ۳۵۸ / گونه‌هایِ سانسور ۳۵۹ / سالِ آخر ۳۶۱ / گزارشِ
ناموثق ۳۶۳ / تصویرِ هویدا در آخرینِ توفیق ۳۶۵ / بستنِ چاپخانه ۳۶۶ / از خاطراتِ
بک قاضی قدیمی ۳۶۸

۱۹. معمای صدر اعظم ۳۷۱

خانوادهٔ رهنما ۳۷۱ / دشواری‌های داوری در بارهٔ هویدا ۳۷۴ / هویتِ هویدا ۳۷۶ /
رابطهٔ هویدا با مطبوعات ۳۷۹ / استخوانِ پوسیده ۳۸۲ / پس از توقیف ۳۸۴ / اعلامیه‌ای
در آستانهٔ انقلاب ۳۸۷ / ختمِ توفیق ۳۸۹

۲۰. توفیق از چشم بزرگان ۳۹۱

۲۱. ابداع و ابتکار و نام مستعار ۴۰۵

تضمین و استقبال ۴۰۷ / اسمِ مستعار در مکتبِ توفیق ۴۱۰ / انتقاد به نام‌های مستعارِ
توفیق ۴۱۲ / اسامیِ مستعارِ طنزآورانِ توفیق ۴۱۴ / نکته‌های جامانده ۴۲۰ / طنزنویسیِ
صمدِ بهرنگی ۴۲۱ / اباذر - مزدک؛ دهن‌کجی به ساواک ۴۲۱

۲۲. جمع‌بندی پنجاه ساله ۴۲۳

ادبِ تعلیمی و طنزهای اخلاقی در دورهٔ اول ۴۲۴ / غلبهٔ سیاست در دورهٔ دوم ۴۲۵ /
درخششِ کاریکاتور در دورهٔ سوم ۴۲۶ / نظرِ فضا‌نویسِ کهنه‌کار ۴۲۸ / مکتبِ توفیق ۴۲۹

۲۳. حزب خران ۴۳۱

حزب خران در کردستان عراق ۴۳۲ / باشگاه خران ۴۳۴ / اهداف و مرام حزب ۴۳۵ / دوره‌های فعالیت حزب خران ۴۳۶ / ارگان حزب خران ۴۳۸ / تمسخر احزاب فرمایشی ۴۳۹ / سرود حزب ۴۴۰ / ادای دین به زحمات الاغ ۴۴۱ / داستان شفقت ۴۴۴ / ادبیات خرکی ۴۴۵ / اعضای شایسته و برجسته ۴۴۸ / کافه حزب خران ۴۵۰

۲۴. داستان کاریکاتور ۴۵۱

تعریف کاریکاتور ۴۵۱ / ملانصرالدین و نخستین آشنایی‌ها ۴۵۳ / نقاشی‌های عظیم‌زاده ۴۵۵ / مشروطه و رونق مطبوعات ۴۵۶ / پیشگامان کاریکاتور در مطبوعات فارسی ۴۵۷ / مخاطبان و آفرینندگان کاریکاتور ۴۵۹ / کاریکاتور در دوره رضاشاه ۴۶۱ / تجربه آزادی ۴۶۳ / پس از کودتای ۲۸ مرداد ۴۶۴ / کاریکاتورهای روشنفکران و عامه ۴۶۸ / امتیازات توفیق ۴۷۰ / زیرنویس کاریکاتورها ۴۷۱ / مدرنیسم و موج‌نودر کاریکاتور ۴۷۲ / موج‌نودر کاریکاتور ایرانی ۴۷۴ / کاریکاتورهای خانواده توفیق ۴۷۵ / بلا و ابتلا ۴۷۷ / سمبل‌های توفیق ۴۸۰ / توفیق مردمی ۴۸۱ / کاریکاتوررست‌های سرشناس ۴۸۳ / کامبیز درم‌بخش ۴۸۴ / غلامعلی لطفی ۴۸۶ / احمد سخاورد ۴۸۷ / احمد عریانی ۴۸۷ / ناصر پاک‌شیر ۴۹۱

۲۵. دو پیش‌کسوت: ابن‌جنی و اجنه / فصلی درباره احوال و اشعار عباس فرات

و سید غلامرضا روحانی ۴۹۳

عباس فرات، شاعر انجمن‌های ادبی ۴۹۵ / کنگره سوسیالیستی ۴۹۸ / مفردات و امثال ۵۰۰ / ویژگی‌های شخصی و سبک ادبی ۵۰۲ / جرج برنارد شاو ایران ۵۰۳ / مطایبات فرات ۵۰۴ / نمونه اشعار فرات ۵۰۸ / سید غلامرضا روحانی: شاعر رنج‌ها و مشکلات ۵۱۰ / انجمن‌های ادبی ۵۱۰ / شکوفایی ۵۱۱ / از چشم جمالزاده ۵۱۳ / اهمیت و اعتبار فکاهیات روحانی ۵۱۶ / استادان و طرز ادبی ۵۱۷ / سفر آخر ۵۲۰ / گزیده‌های طنز روحانی ۵۲۱

۲۶. یاد از آن پرچم افراشته / محمدعلی افراشته و روزنامه چلنگر ۵۳۵

نگاهی کوتاه به زندگی افراشته ۵۳۶ / در خدمت ستم‌دیدگان ۵۳۷ / سنگر مطبوعات ۵۳۸ / زمینه سیاسی، زمانه روسی ۵۴۰ / چلنگرخانه؛ نگاهی از درون ۵۴۲ / آزادی ادبی و بندهای ایدئولوژیک ۵۴۵ / ای هم‌وطنان پاک هدر شد هنر من! ۵۴۹ / مهر گیلان و عشق ایران ۵۵۲ / خط‌مشی سیاسی چلنگر ۵۵۳ / عیار شعر افراشته ۵۵۶ / نمونه‌ای از نثر داستانی افراشته ۵۷۲

۲۷. یار کهن / زندگی و طنزهای ابوالقاسم حالت ۵۷۷

در عرصه زندگی ۵۷۸ / حالت و توفیق ۵۷۹ / حالت در خاطرات خطیبی ۵۸۰ /

- ترانه و تصنیف و موسیقی ۵۸۵ / هنرمند پُرکار و خلاق ۵۸۷ / نظر زین العابدین مؤتمن ۵۹۳ / مشاعره با شهریار ۵۹۶ / ادبیات، زبان و ترجمه ۵۹۷ / بحر طویل‌های هدهدمیرزا / ۵۹۹ / کتابخانه حالت ۶۰۲ / طنزها و فکاهیات حالت ۶۰۴ / طنز تعلیمی ۶۰۵ / طنز از نظر حالت ۶۱۰ / ارثیه لبخند ۶۱۲ / وصیت‌نامه ۶۱۳ / نمونه اشعار و آثار فکاهی ۶۱۴ / نمونه‌های بحر طویل حالت ۶۲۴ / نمونه داستان کوتاه ابوالقاسم حالت ۶۲۸
۲۸. طنزپردازی و اسطوره‌سازی / زندگی و طنزهای ابوتراب جلی ۶۳۱
- گرفتارِ تارِ سیاست ۶۳۴ / بازگشت به توفیق ۶۳۶ / فصل آخر ۶۳۶ / فی‌المدیحه ۶۳۹ / سبک استوار در نثر و داستان ۶۴۱ / منظومه‌های انقلابی و اساطیر مذهبی ۶۴۵ / سیاست‌زدگی ۶۴۶ / یادمان و میراث فکاهیات جلی ۶۴۹ / شورِ سوسیالیستی ۶۵۱ / زمینه‌های سرایش و گزیده‌ای از منظومه ابراهیم ۶۵۵ / نمونه‌های طنز جلی ۶۵۹ / نمونه‌هایی از نثر داستانی ابوتراب جلی ۶۶۴
۲۹. یادِ از مهدی سهیلی ۶۷۵
- سهیلی به روایت عبدالرحیم جعفری ۶۷۷ / مصایب کودتا ۶۸۰ / آثار و اشعار سهیلی ۶۸۱ / سهیلی و توفیق ۶۸۳ / قصیده توفیقیه ۶۸۵
۳۰. تقلید و بازآفرینی / طرز افراشته و طنز سنگسری ۶۸۷
- درباره سنگسری ۶۸۸ / همکاری با چلنگر ۶۹۰ / تداوم سبک افراشته ۶۹۴ / همکاری با توفیق ۶۹۸ / گسستن از توفیق ۶۹۹ / پس از توفیق ۷۰۱ / در توفان انقلاب ۷۰۳ / مرگِ مردِ فکاهی‌نویس ۷۰۵ / جالی خالی افراشته ۷۱۲
۳۱. آثار باستانی / طنزها و خاطرات توفیقی استاد باستانی پاریزی ۷۱۳
- آثار و کتاب‌ها ۷۱۴ / باستانی در توفیق ۷۱۴ / ایام توفیق و حوادث واقع ۷۱۵ / دو خاطره ۷۲۰ / ارزش تاریخ و نثر باستانی ۷۲۱ / سبک نثر و شعر ۷۲۵ / لاله‌زار ۷۲۶ / گزیده شعرها ۷۲۹
۳۲. معمار جمله‌ها / پرویز شاپور و ابداع کاریکلماتور ۷۳۹
- زاویه‌های زندگی، یک هنرمند ۷۴۰ / پیدایش یک ژانر تازه ۷۴۱ / مهم‌ترین ویژگی‌های کاریکلماتور ۷۴۲ / داستان و لطیفه ۷۴۴ / مگس لجباز! ۷۴۴ / نمونه‌هایی از کاریکلماتور ۷۴۵ / از چشم دوستان ۷۴۸ / مجلس ختم آب ۷۵۱ / طنز سیاه ۷۵۴
۳۳. به احترام احترامی / زندگی و سبک طنزهای منوچهر احترامی ۷۵۹
- مکتب اول ۷۶۴ / پیاده‌روی توفیق ۷۶۷ / شغل طنزپرداز ۷۷۰ / ارزش ترانه‌های عامیانه ۷۷۲ / کار... باز هم کار ۷۷۲ / تجربه‌های تازه ۷۷۳ / کشف فرهنگ عامه ۷۷۵ / توبه گرگ ۷۷۶ / طرز طنز ۷۷۷ / ضریب‌های فرهنگ مردم ۷۷۸ / اسم مستعار ۷۸۰ / احیای فرم‌های

کهن ادبی ۷۸۱ / منظومه‌های ماندگار ۷۸۴ / هنر نجابت ۷۸۷ / نمونه لطیفه و داستان کوتاه
احترامی ۷۸۸

۳۴. بچه جوادیه / عمران صلاحی و طنزهایش ۷۹۱
زندگی نامه خودنوشت ۷۹۲ / راه‌یابی به انجمن‌های شاعران ۷۹۴ / خلاقیت و پشتکار
۷۹۷ / مرگ مؤلف ۷۹۹ / گزیده‌های طنز عمران ۸۰۰ / نمونه شعرها ۸۰۰ / خاطره‌هایی از
توفیق ۸۰۲ / قصه‌های عمران ۸۰۵

۳۵. فرزند توفیق / کیومرث صابری، گل آقا و دو کلمه حرف حساب ۸۰۹
طرحی از یک زندگی ۸۱۰ / گزند طنز ۸۱۳ / همکاری با توفیق و تجربه‌های طنزپردازی
۸۱۸ / احیای طنز انتقادی پس از انقلاب ۸۲۱ / دو کلمه حرف حساب ۸۲۵ / ارزش
حرف حسابی ۸۲۷ / اهمیت تاریخی یک ستون طنز ۸۲۸ / شروع یک تجربه ۸۳۳ /
تأملی در سبک طنز گل آقا ۸۳۴ / نقد و نظر ۸۴۳ / اختتامیه ۸۴۵ / برگی از دفتر خاطره‌ها...
۸۴۸ / گزیده‌هایی از طنز گل آقا ۸۵۱ / داستانی قدیمی از کیومرث صابری - یک کلمه
۸۵۷

منابع و مأخذ ۸۶۳
نمایه ۸۷۱
کسان ۸۷۳ / اسم‌های مستعار و تخلص ۸۹۷ / کتاب‌ها ۹۱۳ / جراید و مجلات ۹۲۳ /
نهاده‌ها، تشکّل‌ها، مشرب‌ها و... ۹۳۱

دیباچه

ز حق توفیق خدمت خواستم دل گفت پنهانی
چه توفیقی ازین بهتر که خلقی را بخندانی

این کتاب، کوششی کوچک برای شناخت تاریخ مطبوعات و تاریخ طنز در ایران است. در حقیقت، بخش خاصی از این تاریخ پرفراز و نشیب را دنبال کرده و بر موضوعی خاص متمرکز شده؛ که همانا بررسی سرگذشت و سرنوشت مجله فکاهی «توفیق» است. نشریه‌ای که نام آن در خاطره فردی و جمعی ایرانیان دارای اهمیت و اعتبار ویژه‌ای است. این احترام و اعتبار به واسطه پایداری و جهت‌گیری مردمی و انسانی آن، و عمر نسبتاً طولانی در طی پنجاه سال، به دست آمده و در ذهن و ضمیر ایرانیان مؤکد شده است.

کتاب حاضر، دربردارنده نکات و تحلیل‌هایی در باب این پدیده جالب و مهم در تاریخ ادب و رسانه در کشور ماست. یادکرد نشریه‌ای مردمی، صاحب سبک و بسیار مؤثر در حیطه نقد اجتماعی، ادب فکاهی، فرهنگ عامه و تاریخ مطبوعات مستقل و

منتقد ایران زمین است. همچنین در بردارنده مطالب دیگری مرتبط با تاریخ فرهنگ و طنز، بیوگرافی‌ها، جستارها و نمونه‌هایی از نثر و نظم فکاهی ایران در چند دوره بسیار مهم تاریخی است؛ مطالب و یادگردهایی که اجمالاً هنوز در خاطر بسیاری از معمران و مردمان صاحب‌نظر باقی است و ما کوشیده‌ایم با دقت و تفصیلی که در بضاعت داشته‌ایم، در تدوین و تبیین تازه آن را بیان کرده و به نظر خوانندگان برسانیم.

توفیق، نشریه‌ای معروف است و بسیاری ظرایف و لطایف آن در یادها مانده و شاید هنوز دوره‌ها یا تک شماره‌هایی از آن در خانه مردمان باذوق حفظ شده باشد. اغلب هم وطنان توفیق را می‌شناسند و خاطرات و نقل قول‌های منتسب بدان را در ذهن دارند. توفیق به یک معنا، نماد و مثل اعلای فرهنگ فکاهی روزگار معاصر ما محسوب می‌شود. اگر این تأثیر ماندگار هم نبود، باز هم جایگاه تاریخی این نامه فکاهی و اثرش بر ضمیر و زبان و طنز ایرانیان محفوظ بود و به استناد تاریخ، به هیچ وجه نمی‌توان این رسانه مؤثر و معتبر را نادیده گرفت. به همین دلیل، سروکار ما با موضوعی جالب و مهم در تاریخ و فرهنگ وطن است؛ موضوعی حساس که متأسفانه هنوز کتاب مناسب و پرمایه‌ای در این باره منتشر نشده و آنچه در دسترس است، مجموعه مقالات پراکنده و برخی آثار حاشیه‌ای در این زمینه است. شاید بهتر می‌بود که رساله یا رساله‌هایی دانشگاهی در رشته رسانه و خبرنگاری - و حتی جامعه‌شناسی و طنز و ادبیات - به این موضوع اختصاص می‌یافت تا با تحلیل محتوای دقیق و بررسی ادوار مختلف توفیق در لحظه‌های مهم تاریخی، امکان شناخت بهتر و داوری منصفانه برای مخاطبان ایرانی فراهم آید. اما شوربختانه این نوع رساله‌ها در سنت‌های دانشگاهی ما، که به دبیرستان‌های پراکنده با سطح نازل علمی بدل شده‌اند، جایی ندارد.

غرض از این مجموعه، ابتدا آشنایی با تاریخ و مشخصات توفیق است و پس از آن ارائه برخی نمونه‌های برگزیده از طنز منحصر به فرد و تکرارناشدنی این مجله. به جز این، تجلیل و تکریم از نشریه‌ای که همواره به ادب و آداب ایرانی وفادار ماند و برای منافع و آرزوها و خواست‌های مردم این سرزمین، متقبلِ زحمت‌ها و متحملِ رنج‌ها شد. سال‌ها به انتقاد و افشای کژی‌ها می‌پرداخت و فساد و خودکامگی و زشتی‌های آشکار و نهان جامعه را برملا می‌ساخت. طی قریب به نیم قرن از حساس‌ترین ادوار تاریخ معاصر ایران، توفیق منتشر می‌شد، اما هیچ‌گاه تن به سازش و مصالحه با استبداد و اصحاب قدرت و ثروت نداد. همواره زبان مردم بود و از منافع مردم دفاع می‌کرد، فرهنگ طنز و نقد اجتماعی را جان می‌بخشید و با نمک و چاشنی لبخند بدان غنا و تأثیر مضاعف می‌داد. در نتیجه، موجب افزایش آگاهی و تسامح، و سلامت اجتماعی و اخلاقی مردم می‌شد.

توفیق، همواره کام مردم ایران را شیرین و در دشوارترین و تلخ‌ترین ایام، اکسیر لبخند و شادمانی را روانه خانه‌های مردم می‌کرد. ثمرات این نشریه شیرین و مردمی، نباید تنها به فرهنگ طنز و ادب فکاهی، یا تاریخ مطبوعات محدود شود، بلکه فراتر از آن، یک تجربه یگانه و عبرت‌آموز ملی است و از این حیث میراثی ارزشمند در خاطره جمعی ایرانیان محسوب می‌شود. تجربه‌ای که با بررسی و شناخت تجارب آن، می‌توان بر طول عمر نشریات پرمایه و مهم افزود و آن‌ها را بهتر سازماندهی و مدیریت کرد. توفیق، همانند سایر نشریات معتبر، نقاط ضعف و قوت خاص خود را داشت. گاهی در اوج خلاقیت بود و طنز انتقادی عالی را نمایندگی می‌کرد و گاهی به ورطه فکاهیات سطحی و عامه‌پسند می‌افتاد. زمانی اشعار و لطیفه‌هایش نماینده طنزهای فاخر و کلاسیک بود و هنگامی فاقد حداقلی از استحکام و اعتبار ادبی. گاهی چپ و تندرو می‌شد و گاهی

ماده‌نویس و تیراژگرا... با این همه، در مجموع نشریه‌ای مهم و شایان ستایش بود که نیم قرن دوام آورد.

توفیق، دار و ندار طنز معاصر ایران نیست. اما به یک معنا، نینه بضاعت و اعتبار فرهنگ فکاهی ماست. شاید بیش از محتوا و مطالب این نشریه، تجربه تداوم آن را باید بااهمیت تلقی کرد. اگر مدیران رسانه‌ها و مطبوعات ما، اهل آموزش و بهره‌گیری از دانش و تجربه‌های پیشین بودند، تاریخ توفیق و سرگذشت پرماجرایی آن را بسیار مفید و عبرت‌آموز می‌یافتند. از آنجا که طنز و نقد درهم تنیده‌اند و طنزپردازان نیز همیشه در معرض آسیب صاحب قدرتان قرار دارند، لازم است تاریخ بدانند و از خزانه تجارب نیاکان درس گیرند. این تجربه تاریخی و فرهنگی، هم کیفیت برخورد با اربابان قدرت را نشان می‌دهد و هم شیوه گریختن از مقابل ایشان را؛ هم‌هنگام تیغ تیز آهیختن و سپر محافظ آویختن. سخن صائب در باب هزل از خاطرم گذشت:

طنز در دیده‌ها سبک سازد پله احتشام دولت را
و نیز با عامه مردم در آمیختن و از بلای عوام زدگی جان به در
بردن. جرئت نقد داشتن و شجاعت آگاهی بخشیدن. چشم و گوش و زبان مخاطب بودن. تکیه به خوانندگان و حفظ تیراژ، در عین مستقل ماندن. چشم بستن بر یارانه‌ها و رشوه‌های حکومتی؛ بی‌نیازی از دولتمندان و بی‌اعتنایی به دولتمردان. نوآوری و پیش‌گامی در شکل و محتوا و سازمان... و چکیده سخن: تعهد به فرهنگ، به ملت، به ایران.

توفیق به یک معنا، حافظ نظم مستقر بود و مثل واشر و سوپاپ میان ملت و حکومت عمل می‌کرد. در حقیقت، مردم بخش مهمی از نقدها و اعتراضاتشان را در کنایه‌ها و لطیفه‌ها و تمسخرهای توفیق و نشریاتی همچون آن متبلور می‌دیدند و این امر به تخلیه خشم و اعتراض در روان

توده‌ها کمک می‌کرد. نشریات طنز اصیل، غالباً همین خصوصیت را دارند و این بزرگترین ویژگی آنهاست. بدبختانه اهمیت این امر را رجال صاحب قدرت و بانفوذ درک نمی‌کنند. به‌ویژه در کشورهای رشدنیافته و از جهت سیاسی واپس مانده، که بستن مطبوعات و شکستن قلم‌ها و اسارت روزنامه‌نگاران به ترجیع‌بند اخبارشان بدل می‌شود. اگر این مدیران و صاحب‌منصبان تنگ‌نظر و کم‌سواد و بی‌جنبه، شعور و درایت می‌داشتند، خود بانی نقد آزاد و گسترش طنز انتقادی می‌شدند تا در امان مانند و نظم حاکم و مستقر، دستخوش عصیان و واکنش خصم‌آلود ملت‌ها نشود. آنها برای حفظ منافع کوتاه‌مدت و کوچک، از ارزش‌های درازمدت و بزرگی که در آزادی قلم و نقد و طنز هست می‌گذرند و غالباً به دلیل ظرفیت اندک و فقدان آگاهی و دانش، بدون طی مراحل قانونی یا حضور هیأت منصفه‌ای که نماینده عدالت قضایی و وجدان اجتماعی است، مبادرت به حذف و تعطیل نشریات مستقل و معتبر می‌کنند. خصومت و حقارت شخصی این مسئولین که در پشت پرده‌ها به ریشه آزادی و انتقاد کلنگ می‌زنند، در مدتی اندک، دشمنان بسیار برای نظام موجود و مستقر خلق می‌کند. کارکنان و نویسندگان یک نشریه، به انضمام علاقمندان و خوانندگان، درهای نقد قانونی و حقوق اساسی را به روی خود بسته می‌بینند و خشم و اعتراضشان را به گونه‌ای دیگر نشان می‌دهند.

بنابراین، یک جامعه منظم و پایدار، بیش از هر برنامه و سرمایه‌ای، نیازمند منتقد مشفق و راستگوست که بی‌هراس بنویسد و زشتی‌ها و فسادها را برملا سازد.

توفیق، بی‌تردید از مهم‌ترین نمونه‌های مطبوعات مستقل در تاریخ معاصر ایران زمین است. نشریه‌ای که کوشش می‌کرد از تباهی و فساد و وابستگی به منافع صاحبان قدرت برکنار ماند تا بتواند پیام خود را به سلامت و در لفاف لطایف وزین و کنایه‌های موزون

به مردم برساند. البته این مسیر سنگلاخ و پرپیچ و خم بود و درنگ و احتیاط، شرط لازم برای بقای توفیق محسوب می‌شد. با این همه گاه خطاهای ناگزیر رخ می‌داد یا به‌ناچار الزاماتی را می‌پذیرفت که ضوابط استبدادی قرارداده بود و اراده سانسورچیان حرفه‌ای پیش پای مطبوعات مستقل و نویسندگان آزاده می‌گذاشت. این موانع و دشواری‌ها، بنیان رسانه‌ها را متزلزل و افق آزادی مطبوعات را تیره و تار می‌ساخت. روزنامه‌های زیادی را خوار و زبون کرد و مجلات بسیاری را به تباهی کشید. تنها «توفیق» ایستاد و در راهی که برگزیده بود به حرکت ادامه داد. پستی‌ها و بلندی‌ها، شکست‌ها و موفقیت‌ها، مسیرش را تغییر نداد و بیراهه نرفت. همواره زبان مردم باقی ماند تا غضب فروخورده و نقدهای پنهان شده ملت را بیان کند.

به همین دلیل، در لحظه‌های بسیار خطیری از تاریخ این مرز و بوم، برخی اصحاب شوکت و ارباب قدرت نتوانستند آن را تاب آورند و مثل همه دیکتاتورهای کوتاه‌نگر و تنگ‌نظر، به جای آن که عیب‌های فراوان خود را در این آئینه حقیقت‌نما بنگرند و از فرصت آسیب‌شناسانه‌ای که این نقاد راست‌گو و با شهامت فراهم آورده، برای اصلاح خود و امور جاری مملکت بهره ببرند، تنگ چشمانه به داروغه‌های امنیتی و فرهنگی اشاره کردند تا رونق این نشریه را به سانسور و ارعاب و نهایتاً توقیف ببرند. این کار را کردند اما صرفه‌ای نبردند. هیچ‌یک از این زشت‌کاری‌ها و ترفندها، خاطره و تأثیر وسیع توفیق را از ذهن ایرانیان نزدود و حکومت را از چنگال قهر ملت بدر نبرد. هنوز و همیشه، فصلی مهم در تاریخ فرهنگ و مطبوعات، و حتی تاریخ سیاسی ایران در دوران پهلوی، به ماجرای توفیق اختصاص می‌یابد. مورخان برجسته، با ذکر فراز و فرود آن، سرگذشت خواندنی و عبرت‌آموز نشریه‌ای مردمی را، در مواجهه با حاکمان خودکامه و جریان‌های نامردمی بیان می‌کنند.

مرحوم میرزا حسین توفیق، مؤسس این نشریه، در واپسین روزهای عمرش آرزو کرده بود:

«که توفیق ماند ز من یادگار»

کاش این آرزوی او در عمل نیز برآورده، و عمر توفیق دراز و درازتر می‌شد. چنین نشد و نشریه‌ای که او بنیان نهاد، با آن‌که عمری نسبتاً طولانی داشت، بارها صدمه دید و توقیف شد و مرحومان حسین و فرزندش محمدعلی و جمع دیگری از یاران توفیق، بارها به زندان افتادند. سرانجام نیز نشریه را برای همیشه تعطیل کردند. اما یاد توفیق در خاطر مردم زنده ماند و آرزوی میرزا حسین، مؤسس توفیق، به حقیقت پیوست.

در اینجا به یاد آن مرحوم، آرزوهای منظوم او را می‌آوریم. مثنوی کوتاهی در بحر متقارب، که بازتاب مرام و مسلک او نیز هست:

ز لطف خداوند ناهید و مهر

که برپا نموده‌ست این نه سپهر

خداوندگار زمین و زمان

برآرنده چرخ هفت آسمان

ز هر چیز کرده مرا بی‌نیاز

نموده مرا صاحب امتیاز

درستی به عالم مرا کار بس

به هر کار آن، این مرا یار بس

بود هیجده سال کاندلر جهان

به هم میهنان داده‌ام این نشان

ندانم که عشق است این یا جنون

که در کار گشته مرا رهنمون

ز شب تا سحرگاه گویم غزل

ز خامه سر صفحه ریزم عسل

شب جمعه این نامه چون دسته گل
 بود دست عشاق از جزء و کل
 به یک سال گل بشکفتد در بهار
 به هر هفته این گل شود آشکار
 ز شرق و ز غرب و جنوب و شمال
 خریدار آن‌اند اهل کمال
 به هر جا از این نامه توصیف شد
 نه تعطیل گشت و نه توقیف شد
 نرفتم من اندر پی حرص و آز
 نکردم من از حد خود، پا دراز
 مرا موی سر بود مانند قیر
 کنون از سفیدی شده همچو شیر
 امید است ز الطاف پروردگار
 که «توفیق» ماند ز من یادگار^۱

برای آن‌که یک‌سره سخن نگفته و یک‌سویه داوری نکرده باشم، عباراتی از یادداشت‌های استاد فقیدم دکتر غلامحسین یوسفی را درباره توفیق می‌آورم، تا اعتبار این نشریه را از نظر یکی از برجسته‌ترین ادب‌شناسان روزگار معاصر بدانیم:

«... روزنامه توفیق را از روزگاری می‌شناسم که به مدیریت شادروان حسین توفیق منتشر می‌شد، و نام مستعار برخی از شعرايش مشهور بود. به یاد دارم که در ایام تحصیل در دبستان، دفتر کوچکی داشتم و در حدود فهم خود در آن سنین، بعضی از شعرهای فکاهی روزنامه را یادداشت می‌کردم و به خاطر می‌سپردم. از آن تاریخ به بعد، توفیق به حیات قلمی و اجتماعی خود ادامه داده و موقع و

۱. این شعر در هجدهمین سالنامه توفیق، در سال ۱۳۱۸ خورشیدی، منتشر شده است.

شهرتِ فراوان کسب کرده است... از سال‌ها پیش هر جا این روزنامه را دیده‌ام، بی‌اختیار آن را به مطالعه گرفته و اکثر اوقات از خواندن مطالبِ منشور و منظوم و نیز از کاریکاتورهایش لذت برده‌ام. روزنامهٔ توفیق در این پنجاه سال، بی‌شک بنا به مقتضیات، فراز و نشیب‌هایی داشته ولی در همه حال رنگِ اصلی خود را که بیانِ نکاتِ اجتماعی در کسوتِ ظرافت و طنز و شوخی است حفظ کرده و بدین خصیصه نامور شده است. در این سال‌ها که بر عمرِ توفیق گذشته، گاه بذله‌ها و لطایفِ آن عمیق‌تر است و آموزنده‌تر، و گاه شوخ‌طبعی در آن‌ها مشهودتر، ولی به هر صورت در تاریخِ مطبوعاتِ ایران در پنجاه سالِ اخیر^۱، در طرزِ انتفادی و انتباهِ اجتماعی، به ویژه در لباسِ طعن و طنز، توفیق و نویسندگان و گویندگانِ آن مقامی خاص دارند که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.^۲

نظرِ گرامی استاد یوسفی، تنها نظرِ کارشناسانه در این باره نیست. بسیاری از نخبگانِ ادب و فرهنگ و بزرگانِ این مملکت، توفیق را ستوده و بر اعتبارِ ماندگارِ آن تأکید ورزیده‌اند. اما چه توان کرد با گذرِ زمان و قدرتِ نسیان که همواره آفتِ آدمیزاده و دشمنِ تجاربِ اوست؟ خاصه جامعهٔ ما که تاریخی بلند و شگفت، اما حافظه‌ای کوتاه‌نگر و قدرتی عجیب در محوِ تجاربِ دارد!! این را گفتم که اضافه کنم به دلیلِ سهل‌گیری و نبودِ منابع و بُعدِ سال‌ها، اینک بسیاری از هموطنانِ ما خاصه جوانانِ ایرانی، ممکن است خاطرهٔ توفیق را مثل بسیاری دیگر از سرمایه‌های ملی و تاریخی از یاد ببرند. این موضوع، حتی شامل برخی طنزپردازانِ معاصر هم می‌شود.

۱. حضرت استاد یوسفی، این یادداشت را در آذرماه ۱۳۴۹ به مناسبت پنجاهمین سالگرد انتشارِ توفیق نوشته بودند.

۲. یادداشت‌ها، مجموعهٔ مقالات دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن ۱۳۷۰، ص ۱۴۳.

در این کتاب، کوشش کرده‌ام این نقیصه را برطرف کنم و بر اساس مراجع بسیار پراکنده در تاریخ مطبوعات، اسناد و خاطرات رجال ایران، به همراه مرور دوره‌های مجله توفیق، روایتی مفید و موثق از سیر پیدایش و رشد و تحولات و فرجام آن ارائه دهم. خوشبختانه بسیاری از شخصیت‌های برجسته معاصر ایران، درباره توفیق و ارزش مضاعف آن در عرصه طنز و فولکلور و نقد اجتماعی، سخن گفته و حقایق مفیدی را بازگو کرده‌اند. در صفحات مختلف این کتاب، برخی از این داورى‌ها و اظهارنظرها آورده شده است.



گذشته از این مسائل، لازم می‌دانم چند نکته درباره منابع و شیوه کار در این پژوهش، خدمت خوانندگان عزیز و نکته‌سنج عرض کنم. اول آن که منابع موجود برای این تحقیق بسیار پراکنده و غالباً در ضمن برخی مقالات یا در حاشیه و پیوست مطالب کتب و مجلات بوده و یافتن هر کدام داستان و ماجرای دارد. اصل نشریات توفیق نیز نایاب است و کمتر در دسترس قرار دارد، اما خوشبختانه کثیری از دوره‌های آن در کتابخانه مجلس و ملی موجود است. کتابخانه مجلس در دوره مدیریت حجت الاسلام و المسلمین رسول جعفریان، امکان مناسب برای مرور و تهیه چند دی وی دی از برخی سال‌ها و دوره‌های توفیق را برای نگارنده فراهم کرد.

در تاریخ توفیق، از منابعی به صورت گسترده‌تر بهره برده‌ام و حتی رجاعات مفصل داشته و گاه همپوشانی مطالب و تکرار نیز در برخی قسمت‌ها به چشم می‌آید. به دلیل تحقیق و پژوهش در طول سالیان متوالی، و جویش مطالب و مطالعه مداوم، نگارنده گاهی مطالب تازه را به سابق می‌افزود و بی‌پروایی می‌کرد؛ زیرا یافتن منابع درباره موضوعی که قریب به نیم قرن مسکوت نهاده شده و تنها چند مقاله و یک کتاب محدود و مربوط به بخش کوچکی از موضوع درباره آن انتشار یافته،

اهمیت زیادی دارد.

هدف نویسنده، نه اظهار فضل بوده و نه افزودن بر حجم کتاب، بلکه توصیف دقیق و مبتنی بر حداکثر اطلاعات موجود و متکی به جزئیات بوده است. در حقیقت، می‌خواستم محققان بعدی، مانند من، اسیر تنگنای منابع نباشند. به آنچه فعلاً امکان‌پذیر است، به سادگی دسترسی بیابند و از آنچه قطعاً موجود است حداکثر بهره را ببرند. بنابراین هراسی نداشتم از این که گاهی نقل قول‌های طولانی بیاورم و یا مطلبی را که دو بار، از دو زاویه مختلف یا به دو قلم متفاوت نوشته شده باشد نقل کنم. می‌دانم که متعارف نیست و نکته بیان ایراد و انتقاد می‌کنند که غیر منطقی است و خلاف پسند مقبول و شیوه معمول تلقی می‌شود.

در این کتاب، روایتی زمانی و خطی، از آغاز تا پایان یک پدیده فرهنگی را به قلم آورده‌ام؛ سپس مهم‌ترین مطالب را در ارتباط با هر موضوع بدان افزوده‌ام. انسجام مطالب کتاب، وابسته به قوت منابع در هر دوره متفاوت است، اما تصور می‌کنم که نهایتاً تصویری درست از پیدایش، تکوین و پایان کار توفیق عرضه شده است. تصویری که شاید بخشی از زوایای تاریک در تاریخ و فرهنگ معاصر ایران را روشن کند و به مجموعه مطالعات مربوط به تاریخ مطبوعات و طنز ایران تشریک مساعی نماید.

مجله دفتر هنر، ویژه توفیق، که مشخصات آن در کتاب آمده، یکی از دقیق‌ترین منابع این کتاب است که برخی مشکلات و کاستی‌ها و ابهامات تاریخ توفیق، با رجوع به مطالب ارزشمند آن از میان رفت. مطالب بکر و تازه‌ای برای اولین مرتبه در این نشریه منتشر شد که مستقیماً از زبان مدیران و همکاران قدیمی توفیق نقل شده بود. فضل تقدّم در تاریخ‌نگاری توفیق با این ویژه‌نامه است، که به صورت مستندات مفید اولیه به کار محققان دیگر می‌آید و بسیاری از پرسش‌ها

را درباره توفیق، طنز و تاریخ مطبوعات فکاهی ایران مورد بازبینی و پاسخگویی قرار می‌دهد. دفترهنر نشریه نفیسی است که در امریکا منتشر می‌شود. مدیر نشریه، آقای بیژن اسدی‌پور نسخه‌ای از آن را توسط دوست دانشمند مهدی بزرگوار برای من ارسال کرد که از لطفش ممنونم.

بعد از آن، باید از دو کتاب و مقاله‌های محقق و طنزپرداز معاصر نصرت الله نوحیان (نوح) یاد کنم که با ذوق و فراست فراوان، به ثبت و ضبط وقایع و یادمان‌های بسیاری از طنزآوران معاصر ایران پرداخته است. من در مواضع متعدد از نوشته‌های او بهره گرفتم و در ترجیحات نیز، ارجاع به کتاب‌ها و پژوهش‌های او را موثق‌تر یافتم. خوشبختانه در سنوات اخیر، کتابی هم از سوی خانم فریده توفیق منتشر شده که حاوی اسناد و اظهارنظرهایی درباره توفیق و دلایل و اسناد تعطیل اجباری آن است. دکتر عباس توفیق نیز کتاب مفصل و جالبی در باب توقیف توفیق تألیف کرده است که امیدوارم هرچه زودتر منتشر شود. ایشان با اطلاع از نگارش کتاب حاضر با من تماس گرفت و ضمن راهنمایی و توضیحات ارزنده، مرا از تشویق و محبت خود بی‌دریغ نگذاشت.

خلاصه کلام این که، نباید از فضل و اعتبار دیگر محققان و نویسندگانی که در این زمینه زحمت کشیده‌اند گذشت، همچنان که امیدوارم خوانندگان نازنین و طنزپرور این کتاب، تلاش فراوان و رنج طولانی مؤلف را برای جویش منابع و پژوهش حقایق و نگارش روایتی صحیح و متکی به اسناد معتبر و منابع موثق دریابند. کاری که چند سال در سفر و حضر بر اندیشه مؤلف چنگ می‌انداخت و به همین دلیل، امیدوارم که از کتاب استقبال شود و برای مخاطبان و فرهنگ‌دوستان، خالی از فایده نباشد.

اگر بخواهم بیشتر درباره روش پژوهش و طرز تدوین کتاب سخن

بگویم، شاید از شکیب برخی از خوانندگان درگذرد. اما به جستاری آموزنده و راه‌گشا از استاد آذرتاش آذرنوش بسنده می‌کنم زیرا کمابیش کوشیده‌ام همین راه را بروم، هرچند بی‌گمان از آسیب و لغزش برکنار نمانده‌ام و دل بسته‌ام به این که سستی‌ها و ناتندرستی‌ها را خوانندگان نکته‌سنج گوشزد خواهند کرد.

«خواستۀ نخستین من آن بوده است که داده‌ها و یافته‌های خود را - که در حقیقت اسناد و پایه‌های این پژوهش‌ها هستند - تا جایی که ممکن است کمال بخشم و هیچ سندی را فرو نگذارم؛ سپس کوشیده‌ام آن‌ها را بر حسب بهره و دستاورد هریک، بخش‌بندی کرده به گونه‌ای پیوسته و منطقی آرایش دهم. قصد من آن بوده است که «چینش» روایات را چنان تدارک ببینم که هنگام نتیجه‌گیری، خود کم‌تر سخن گویم و بگذارم خواننده هوشیار، بی‌آن‌که نیاز به توصیف من نگارنده داشته باشد، خود به نتیجه مطلوب دست یابد. این کار در بسیاری جای‌ها ناممکن بود من گاه ناچار بوده‌ام عرضه مدارک و اسناد خود را با استنتاجی کوتاه به پایان برم تا بخش‌های مختلف کتاب دچار گسیختگی نشود. با این همه تکیه من اساساً بر روایات و نحوه چینش آن‌ها بوده است نه نتیجه‌گیری‌های شخصی».^۱

باری، این کتاب نیز، به صورت بخش‌های متفاوت، اما در پیوسته و مکمل تدوین شده است: تاریخ توفیق، مکتب توفیق، بیوگرافی و تحلیل آثار طنزپردازان توفیق، مسائل نظری در باب طنز، تاریخچه‌ای از مطبوعات فکاهی، شناختی از کاریکاتور و... همراه با گزیده‌های طنز که اغلب از توفیق است و با وسواس و دقت برگزیده شده است. این کتاب، دیاچه‌ای کوچک و محدود، و شاید مقدمه‌ای مفید در شناخت و بزرگداشت طنز معاصر ایرانی است و با کمال افتخار به مردم ایران

۱. چالش میان فارسی و عربی، آذرتاش آذرنوش، نشر نی، چاپ اول ۱۳۸۵، ص ۶.

که مخاطبان اصلی و حامیان واقعی و همیشگی توفیق و حاملانِ خاطره گرم و صمیمی این مجله بوده‌اند، تقدیم می‌شود.

این مقدمه را طولانی‌تر از این نمی‌کنم اما باید از دوستان بزرگوارم سپاسگزاری کنم که در روزگارِ پُرمردگی و دلمردگی، کردارِ جوانمردان کهن پیشه ساختند و مساعدت و همراهی‌شان با نجابت بود و بی منت. دکتر حسین دهقان محرکِ اول در تألیف این کتاب بود و پیشنهادِ این کار را ایشان به من داد. تشویق و محبتِ او به من انگیزه و الهام بخشید تا این اثر را به آخر برسانم؛ وگرنه مطمئنم چنین همتی در ذاتِ من نبود! سیدفرید قاسمی، محققِ ارجمندِ مطبوعات، کتاب‌های گرانمایی در اختیارم نهاد و مرا به مطالب و مآخذ مهمی دلالت کرد. محبت‌ها و حمایت‌های برادرِ مهربانم دکتر علی جزایری قابل وصف نیست. او مقالهٔ ابوالقاسم حالت در مجلهٔ آینده را نیز در اختیارم نهاد. طبیبِ دانشمند دکتر سیدحسین میرمجلسی، چند منبع و مجلهٔ کمیاب را از کتابخانهٔ کم‌نظیرِ خود در اختیارم نهاد. آقای لبافی مدیرِ فنی انتشاراتِ همشهری، چند بار مسووده‌های پَریشانِ مرا نظم داد.

اما زحمتِ حروف‌نگاری و تنظیم صفحات بر دوشِ رحیم رمضانی بزرگوار و گرامی بود که با صرفِ وقت و دقتِ زیاد، کتابِ حاضر را چنین چشم‌نواز و آراسته سامان بخشید. همسرِ مرضیه سلیمانی و دخترِم کیان با شکیبایی در هر زمینه‌ای مرا یاری داده‌اند. دوستِ بزرگوارم استاد دکتر انشاءالله رحمتی، مدیرِ نشرِ سوفیا، برای انتشارِ به‌موقع و مناسبِ تاریخِ توفیق از هیچ مساعدتی دریغ نکرد.

این یادداشت را به توفالی از شعر خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، بزرگ‌استادِ طنزِ رندانه و متعالی به پایان می‌برم که اشارتی به عنوانِ «توفیق» هم در آن هست. هنگامی که دربارهٔ کیفیتِ تألیف و تدوینِ این کتاب می‌اندیشیدم، این توفال به من نشاطی داد و

در مضمونِ آن دلالتی بر انجام و اشارتی به فرجام این اثر یافتیم و فکر کردم اگر انجام ندهم، بر زمین خواهد ماند و کسی به این کار نخواهد پرداخت!

گوی «توفیق» و کرامت در میان افکنده‌اند
کس به میدان در نمی‌آید سواران را چه شد

و من الله التوفیق

سیدمسعود رضوی

تهران ۱۳۹۵